

طاووسِ ششمان

جلد اول

تالیف : فریده آرمان

طاووس

بھشتیان

جلد اول

بسمه تعالی

شناسنامه کتاب :

نام کتاب :	طاووس بهشتیان (جلد اول)
مؤلف و ناشر:	فریده آرمان
چاپ از :	چاپخانه احمدی
نوبت چاپ :	اول
تاریخ چاپ :	زمستان ۱۳۷۰
تیراژ :	۵۰۰۰ نسخه
قطع :	رقعی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
السَّلَامُ عَلَى الْمَهْدِيِّ (عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ الشَّرِيفِ) الَّذِي وَعَدَ
اللَّهُ (عَزَّوَجَلَّ) بِهِ الْأُمَّمَ أَنْ يَجْمَعَ بِهِ الْكَلِمَ

سلام و درود بر حضرت مهدی ، آنکس که خدای بزرگ
ظهورش را به تمامی امتها وعده داده تا با ارشاد وی همگی همفکر
و هم کلام گردند.

وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ
إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا

بگو حق آمد و باطل نابود گشت
براستی که باطل نابود شدنی بوده و هست

قرآن مجید ، سوره اسراء آیه ۸۱

به نام خدا

پیشگفتار

پیامبر عالیقدر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند:
الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي، اِسْمُهُ اِسْمِي وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِي اَشْبَهُ النَّاسِ
بِي خُلُقًا وَ خُلُقًا

مهدی علیه السّلام از فرزندان من است، نامش نام من و
کنیه‌اش کنیه من است، شبیه‌ترین مردم است به من، از نظر خلق
و صورت و از نظر خلق و سیرت.

و در جلد پنجاه و یکم کتاب بحار الانوار صفحه ۹۱ و در
جلد دوم کتاب ینابیع الموده صفحه ۵۲۲ از پیامبر اکرم صَلَّى
اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روایت شده که فرمودند:

الْمَهْدِيُّ طَاوُوسُ اَهْلِ الْجَنَّةِ

حضرت مهدی علیه السّلام (در زیبایی و جمال) طاووس اهل
بهشت است.

و حال ای مهدی عزیز بر تو باد سلام
 و ای طاووس اهل بهشت بر تو باد سلام
 و ای پیشوای آرمانها و ای امید جانها بر تو باد سلام
 سلام بر تو و سلام بر نائب بر حقت امام خمینی رحمه الله علیه
 و ای خورشید تابناک سحر، ای رهبر قیام و شهادت، ما
 عاشقان قدیمی، تا روشنای سرخ صبح، تا طلوع صبح آزادی،
 تا سال ظهور، سال حضور خدای سال مبارک موعود در انتظاریم
 که با تو پرواز کنیم به آن جایی که یگانه منجی عالم بشریت که
 تو هستی، تو ای " مهدی عزیز " که غبار زمستان را از چهره زمین
 و زمان و از سیمای دردمندان خواهی شست و ما منتظران در
 انتظاریم در هر مرحله‌ای از مراحل در کنارت باشیم تا آنجا که
 پرچم " لا اِلهَ اِلاَّ اللهُ " را بر قُلل رفیع کرامت و بزرگواری به
 اهتزاز در آوریم و تا جهان را که تشنه فرهنگ اسلام ناب
 محمدی است به سر منزل مقصود برسانیم.

بامید آروز با شکوه

بِسْمِ تَعَالَى

حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ، نِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ

بارالها بدرستی که می‌خواهیم از تو بنامت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ای صاحب جلال و اکرام ما را یاری دهی تا به آن اهداف عالیه که پیروزی اسلام و سعادت و رستگاری است برسیم. و از تو ای صاحب ملک و ملکوت می‌خواهیم که درود فرستی بر بندگان برگزیده‌ات که برای راهنمایی بشر و آزادی انسانها از ذلت و اسارت آمدند، خصوصاً گرامیترین و عزیزترین بندهات سر حلقه اصفیاء خاتم الانبیاء محمد مصطفی (ص) و آل پاک و پاکیزه‌اش.

و درود بی پایان ما نثار یگانه منجی عالم بشریت حضرت ولی عصر امام زمان ارواح العالمین له الفداء صلوات الله علیه و نائب بر حقش امام خمینی قدس سره الشریف.

ای اهل ایمان مژده که دیدار حقیرانه ما به دیدار امام زمانمان منور گردد و برسد آنزمانیکه زمینه ظهور یگانه منجی عالم بشریت آن ظهور آشکار حضرت مهدی (ع) فراهم شود، و بیاید آن منجی که یار بیچارگان است و نجات دهد مظلومانی را که در محرومیت بسر می‌برند، و در این عصر که تاریکترین دوران زندگی بشر در روی زمین است اگر چه نوید رهایی به عالمیان داده شده که روزی مردم گرفتار و ستم کشیده عالم آزاد می‌شوند و به فضای باز و بسیار روشن زندگی دست خواهند یافت، همان فضائی که دیگر اسلام نیمه جانمان جان بگیرد و در سایه آن حق، بر باطل برای همیشه پیروز شود و زندگی انسانهای مظلوم، بر پایه عدالت، امنیت، آسایش و یکتا پرستی.... نهاده شود.

و ما ایمان داریم به اینکه وعده خدا حق است و به وقوع می‌پیوندد و این وعده خداست برای حضرت مهدی (ع) و یارانش، این وعده خداست برای شیعیان و افراد شایسته، برای افراد منتظر فرج و سرانجام این است حکومت مهدی روحی فداه غلبه حق بر باطل، غلبه اسلام بر جهان، روز عدالت و فضیلت، روز امنیت و روز ظهور برکات، خیرات و نعمتها، روز ظهور علم برای همه، روز ظهور عقل و فطانت و کیاست برای همه، روز تهذیب نفس برای همه، روز تمکین و بی‌نیازی و بر طرف شدن فقر مادی و فقر اجتماعی و روز، زوال فواحش و گناه از جهان و

سر انجام روز غلبهٔ مستضعف بر مستکبر که چنین روزی،
آرزوی هر انسان عاقل و مؤمنی هست که در روی زمین زندگی
می‌کند.

آیا براستی ای شیعیان علی بن ابیطالب برای رسیدن به
آنروز تلاش می‌کنید؟

آیا برای دیدار امام زمانتان دلتنگ شده‌اید؟

همان امام زمانی که مانند حضرت نوح (ع) با کشتی
نجات می‌آید و دوستان خدا و شیعیان علی (ع) را به همراه خود
به آن سرزمین موعودی که پروردگار عالمیان وعده‌اش را داده
می‌برد.

نباشد که ما مانند فرزند نوح با ناباوری و یکسری اعمال
که خدا آنرا دوست ندارد، طعمهٔ امواج خروشان دریا شویم،
در حالیکه می‌دانیم خداوند خشنود می‌شود از احوال بندگانی که
پیروی می‌کنند از امامیکه در پس پردهٔ غیبت بسر می‌برد و از جا
و مکان او هم با اطلاع نیستند ولی هر صبح و شام منتظر
ظهورش می‌باشند.

و در کنار این عده که منتظر امام زمانشان هستند بعضی
از نادانها به حسب خیالات و حدسیات باطل می‌گویند، باور
نداریم به این زودیها امام زمان بیاید و از طرفی ائمهٔ طاهرین (ع)
می‌فرمایند:

ظهور فرزند ما مهدی (ع) ناگهانی واقع می‌شود. و

علامات حتمیه مانند صیحه آسمانی، خروج سفیانی، قتل نفس زکیّه و یا خروج حسنی.... همه در یک سال و نزدیک به ظهور به وقوع می پیوندند.

و در همین مورد حضرت علی (ع) می فرماید:

علائم آخر الزمان در یک جا و مکان مشاهده نمی شود، بلکه در نقاط مختلف دنیا ظاهر می شود و دیگر اینکه چه بسا بسیاری از علائم ظاهر نشوند و ظهور فرزندان مهدی واقع شود. و طبق شواهد باید گفته شود که بسیاری از علائم به واقعیت پیوسته اند ولی نزدیک به ظهور فشرده شدن علائم در کنار هم مطرح است.

از جمله اختراعات، اکتشافات و سفر به کرات دیگر و.... و از همه مهمتر تلاطمی که در کل دنیا مشاهده می شود بر اثر سیل، زلزله، طوفان، گردباد، آتشفشان، هرج و مرج و فتنه، درگیری و غارت، تجاوز به حقوق یکدیگر، فسق و فجور و آشکار شدن گناه مانند خوردن روزه در ماه مبارک رمضان و یا گریزان بودن از مجالس علماء و صحبت از دین و فراری از آثار ائمه و مشتاق به بلاد و کتب فرنگ و نیز در سفری که به آن دیار می کنند، دل از مسلمانی کشیدن و نیز پرستش خدا از روی ریا و ضایع کردن نماز و نداشتن ترس از آیات عذاب، امانتداری و وفاداری کم، فقر و تنگدستی زیاد، چیره شدن کافران بر مسلمانان، خروج سلاطین عجم از شأن و وقار و وابسته به کفار

شدن، عمر افراد کم و مرگ در میان جوانان شایع، سریع گذشتن زمان و ایجاد صف و نیز ریاست زنان و نشستن اطفال بر منبرها و تعطیل شدن پایگاه علم در نجف و دائر شدن آن در قم که در نزدیکیهای ظهور حضرت مهدی ارواحنا له الفداء مطرح شده است.

و نیز اینکه قم تا ظهور حضرت مهدی (ع) پایگاه انقلاب است و حال امروز می بینیم پیشگویی ائمه اطهار که فرمودند نجف مرکزیت خود را در رابطه با علوم اسلامی از دست می دهد و این مرکزیت به قم انتقال می یابد، به واقعیت خود پیوسته است. و دیگر اینکه علم از این دیار به سایر بلاد در شرق و غرب جهان افاضه می شود و بدین ترتیب خداوند بر مردم جهان اتمام حجت می کند.

بسته شدن خانه خدا به مدت سه سال و رایج شدن فساد در مکه و مدینه و اعمال قبیح و لهو و لعب در آن دیار شایع و هتک حرمت اماکن متبرکه، و در همین مورد آخر، مؤردهای از حماسه آفرین دشت کربلا خانم حضرت زینب (س) می باشد که ایشان فرمودند: روزی زمین و آسمان شاهد جنایات و مصائب عظیمی شد که بر ما اهل بیت روا داشتند، جبّاران و ستمکاران بدن برادرم حسین بن علی (ع) و یارانش را تکه تکه کردند و می دانم در فردا و فرداها قبر مطهرش را بدفعات ویران خواهند کرد. ولی بعد از آخرین بار که ویران می شود، می رسد

آنروز موعود که شیعیان دلسوز و فداکار پرچم " لا اِلهَ اِلاَّ اللهُ " را بر فراز خانه‌اش به اهتزاز در می‌آورند و آن پرچم تا روز قیامت پروردگار عالمیان برقرار خواهد بود.

آری بامید آنروز نوید بخش و باشکوه

و ما به همین مژده دلخوش هستیم که برسد روزی که مردان مؤمن به خدا و حجت بر حق خدا، راه آن دیار به خاک و خون خفته را باز کنند و ما شیعیان علی (ع) در حالیکه همچون موری روی زمین می‌خزیم وارد آن حرم مطهری شویم که صاحبش نظاره‌گر جنایات پیشماری بوده است.

آری برویم و با اشک چشم، خونهایی را که به در و دیوار آن خانه نقش بسته، بشوئیم و گرد و غبار آن خانه را با مژه‌هایمان پاک کنیم و ببوئیم و ببوسیم آن خانه در غربت مانده را.

و حال ای پروردگار عالمیان، ای خالق هستی تو را قسمت می‌دهیم به خون پاک همان مظلوم غریبی که گفتی او خون من است، دیگر راه کربلا را به روی ما عاشقان منتظر بگشا و بیش از این فراق را بر ما روا مدار.

ای اطلس خون عشق تن پوشه تو

هیئات (من الذلّه) ره توشه تو

فردا به گلاب دیدگان می‌شوئیم

گردی که گرفته قبرشش گوشه تو

آری ای شافع روز جزا، ای امید بیچارگان، ما به فردائی می‌نگریم که در کنار تو و فرزندت " مهدی " شاهد شکوفائی همان اسلامی باشیم که تو به خاطرش جان فدا کردی، به امید آنروز.

و حال ای شیعیان علی بن ابیطالب (ع) بیائید در مورد آخرین مطلب تفکر بیشتری داشته باشید و سؤال کنید از خودتان که آیا براستی بار دیگر عراق ویران شده سر پا قرار خواهد گرفت و حرم مطهر باز سازی می‌شود و دوباره ویران می‌گردد؟ بدون شک جواب در نزد خودمان می‌باشد، در حالیکه طبق علائم و شواهد می‌دانیم که آن تحول عظیم انشاءالله تا سال دو هزار میلادی به وقوع می‌پیوندد.

ولی ما امید به یاری خدا داریم که خیلی زودتر آن حقیقت والائی که در کنارش جان دوباره خواهیم گرفت تحقق پیدا کند.

و حال ای شیعیان علی بن ابیطالب (ع) آیا براستی آن آمادگی لازم را دارید؟

و آیا آن استعداد و رشد و لیاقت را پیدا کرده‌اید تا برسید به آنچه که مصلحان عالم آرزوی رسیدن به آن را داشتند؟ امید داریم خداوند در این مسیر خطیر ما را یاری دهد تا با اعمال خیر و روحی پاک راه آن یگانه منجی عالم بشریت را باز کنیم که انتظار بیچارگان دربند به پایان رسد، در حالیکه علائم

و شواهد نوید آمدنش را می‌دهند.

و از جمله یکی از مهمترین علامتها، انقلاب در کشور ایران زمین است که در سال (۵۷) به وقوع پیوست و در همین مورد ما حدیثی را موافق کتاب نعیم بن حماد در اینجا نقل می‌کنیم.

نعیم بن عبدالله بسند خود از ابراهیم علقمه از عبدالله نقل می‌کند:

ما روزی نزد پیامبر (ص) نشسته بودیم که عده‌ایی از بنی هاشم نزد ما آمدند، پیامبر تا چشمش به آنها افتاد رنگش دگرگون شد و آثار ناراحتی در چهره‌اش نمایان گردید، گویا مدتی بود که اصحاب حضرت را خندان ندیده بودند و با دیدن این منظره به این فکر افتادند که پرسند علت ناراحتی پیامبر خدا چیست.

گفتند یا رسول الله مدتی است که آثار ناراحتی و اندوه در چهره شما می‌بینیم، حضرت علت افسردگی خود را که با دیدن جوانان بنی هاشم تشدید شده بود چنین توضیح داد:

ما خاندانی هستیم که خداوند برای ما آخرت را بر دنیا بر گزیده و اینان که خاندان من هستند، پس از من دچار بلا و آوارگی و دوری و تبعید از وطن می‌گردند و این سختیها ادامه پیدا می‌کند تا زمانی که مردمی از مشرق زمین قیام می‌کنند، آنها که اصحاب پرچمهای سیاه هستند.

باید گفته شود مقصود از پرچمهای سیاه، پرچمهای

عزاداری در محترم است.

و در آغاز قیام خواسته مردم از حکومت، حق است، ولی سردمداران حکومت زیر بار نمی‌روند، دو بار قیام با این انگیزه صورت می‌گیرد و در سپیده دم پیروزی، رژیم تسلیم خواسته‌های مردم می‌شود، ولی این بار هم مردم نمی‌پذیرند و بالأخره رژیم را ساقط می‌کنند و حکومت جدیدی را بر اساس حق تشکیل می‌دهند و این حکومت تداوم می‌یابد تا اینکه مردم، آنرا به مردی از خاندان من تحویل دهند و او زمین را پر از عدل و داد می‌کند، همانطور که پر از ظلم و جور نموده‌اند.

پس اگر کسی از شما آنزمان را درک کند باید به آن مردم بپیوندد، هر چند سینه خیز روی برف برود که او " مهدی " است.

و در همین مورد روایتی را علامه نعمانی از دانشمندان و محدثین قرن سوم هجری در کتاب الغیبه به سند خود از امام باقر (ع) نقل کرده است:

گویا می‌بینم که مردمی در مشرق قیام کرده‌اند، حق را طلب می‌کنند ولی سردمداران حکومت حق را به آنها نمی‌دهند، پس از مدتی دوباره حق را می‌طلبند، این بار نیز رژیم حاکم از دادن حق به آنها امتناع می‌ورزد ولی در این موقع مردم آرام نمی‌نشینند، مسلح شده و بر علیه حکومت قیام می‌کنند و رژیم حاکم را ساقط می‌نمایند و حکومت جدید تشکیل می‌دهند و این

حکومت را جز به صاحب شما "بَقِيَّةَ اللَّهِ الْأَعْظَمِ" تحویل نمی‌دهند و بدانید کشته‌های آنها شهید بر حقتند، آگاه باشید که اگر من شخصاً آنزمان را درک کنم خود را برای صاحب این امر ابقاء می‌کنم.

و حال ما مسلمانان که می‌دانیم هر صالحی آرزو دارد، در آن روز موعود باشد که دین و حجّت بر حقّ خدا را یاری کند و ما بعنوان شیعیان علی (ع) نباید از این قافله عقب بمانیم در حالیکه علائم و شواهد تا حدّی برای ما آشکار است و اگر برسد آنروز مبارک که در مقابل آن تحویل عظیم خدای ناکرده از بیخبران باشیم چطور می‌توانیم جبران کنیم در حالیکه آن زیان جبران ناپذیر است.

پس بیائیم تا وقت داریم برای شناخت بیشتر در مورد این امر حیاتبخش قدم برداریم، بشناسیم و بدانیم، برای رسیدن به آنروز موعود و مبارک قدمهای خیر برداشته و داشتن وحدت و صبر در مشکلات و دوری از گناه و حرام و نیز پیروی از قوانین الهی و دعا به حضرت حجّت علیه السلام.

آری دعا به تعجیل فرج و ظهور آن حضرت باعث ثبوت ایمان و آمرزش گناهان و نجات از مهالک و فتن آخر الزمان و قبولی اعمال صالحه است.

دعا کننده را شفیع شود پیامبر اکرم (ص) و خانم حضرت زهرا (س) و آقا امام زمان (ع) و دعاکننده در نزد خداوند

محبوب و عزیز نزد پیامبر خواهد بود.

و شخص دعا کننده از شیطان دور می شود و ملائکه در حق او دعای خیر کنند و اجر بیست حج و عمره و دو ماه معتکف بودن در مسجد الحرام شامل حالش شود.

و دعا کننده در عالم برزخ از عذابها ایمن است و در عالم قبر و برزخ مصاحب نیکو پیدا می کند و درهای بهشت برای او گشوده و حساب او در قیامت آسان و در روز قیامت نوری از او ساطع می شود که دیگران به آن منتفع می شوند و می تواند هفتاد هزار گناهکار را شفاعت کند.

و حال چه بسا باشند بعضی از کوتاه نظران که بگویند چطور ممکن است به ازای اعمال کوچک این همه منافع شامل شخص دعا کننده شود؟ باید در جواب گفت دعا به جهت تعجیل در ظهور و فرج امام زمان کوچک نیست، بلکه در نهایت بزرگی و کمال و عظمت شأن ایشان است، مثل آنکه یک دانه جواهر کوچک، قیمتی بالا دارد که فقط اهل خیره ارزش آنرا می دانند ولی، همان جواهر را اگر جلوی بچه ای بگذارند به نظرش سنگی بی ارزش می رسد.

و یا با گفتن شهادتین که شخص کافر مسلمان شده و با گفتن آن و اعتقاد به مسوئیتی که یک مسلمان دارد می تواند از جهنم پایش را برداشته و به داخل بهشت بگذارد، در واقع شهادتین یک جمله کوتاه است ولی به محض گفتن، شخص

کافر، مسلم و پاک و محترم و بهشتی می‌شود.
 باشد که خدای سبحان دعاهای ما را به اجابت برساند و
 این روزهای سخت و طاقت فرسا را به روزهای شیرین، همراه با
 سعادت مبدل گرداند.

(بامید آروز با شکوه، منتظر در انتظارش باش)

(پایان قسمت اول طاووس بهشتیان)



بسمه تعالی

حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ ، نِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى وَ عَلَى أُمَّتِهِ الرَّاشِدِينَ مِنْ آلِ طه وَ يس
الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَ عَلَى الْأَئِمَّةِ الرَّاشِدِينَ مِنْ آلِ طه وَ يس
بارالها بدرستی که می‌خواهیم از تو بنامت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ای صاحب ملک و ملکوت و ای خالق هستی پاک و
منزهی و ای پروردگار عالمیان، اگر تو راهنما نباشی چقدر راهها
تنگ و دشوار است و اگر تو هدایت کنی چقدر راه حق واضح و
هویدا است.

پروردگارا کیست که محتاج تو نباشد؟ چه بفهمد و چه
نفهمد و کیست که نخواهد دست دعا بسوی تو بردارد و حاجت
از تو بخواهد و برآستی چه حاجتی بالاتراز آنکه بنده‌ات بشناسد
خالقش را که تو هستی و بشناسد رسول گرامی و حجّت بر حقّت

را.

و حال ای خدای لایزال می‌دانیم اگر نشناسیم رسول و حجّت تو را دین ما ضایع می‌شود و اگر دین ضایع شود دیگر بوی رستگاری به مشام جان ما نخواهد رسید و در آن صورت هر چه هست خسران و زیان و سیه روزیست.

در حالیکه ما به آن نویدی دلخوش هستیم که تو وعده‌اش را داده‌ای و امروز و هر روز امید داریم تا به آن بهشت موعود و آن منجی دلسوز مسیر خوشبختی و سعادت را طی کنیم و نیز خود را به سر منزل مقصود برسانیم و ما نیز آگاهیم تا حجّت بر حقّت نیاید ما همچنان در بیچارگی و سرگردانی به سر خواهیم برد، همان حجّت بر حقی که در پس پرده غیبت به سر می‌برد، همان حجّتی که عالمان در انتظارش می‌باشند، اگر چه باور ندارند او را که دیدارش نزدیک باشد، همان حجّتی که تنها بازمانده از حجّتهای تو در روی زمین و در میان بندگان توست.

و حال ای خدای سبحان درود بی پایان ما عاصیان را بپذیر بر آن مولا و آقائی که مقدّم داشتی بر دیگر پیامبران و او را بر انگیختی به سوی جن و انس از بندگانت و زیرپایش گذاشتی شرق و غرب عالم را و او را یاری کردی به وسیله جبرئیل و میکائیل و وعده دادی ظاهر گردانی و غلبه دهی دینش را بر همه ادیان، گر چه ناپسند دارند مشرکان.

پس مبارک است وجود آن منجی عالم بشریت حضرت

محمد مصطفی (ص) که انبیاء بشارت آمدنش را دادند و همان ناجی که همچون خورشید درخشید در شبه جزیره عربستان، همان دیاری که ابرهای تیره و تاریک جاهلیت، کارزارهای خونین و یغماگری و فرزندکشی که هر گونه فضایل اخلاقی را از یاد برده و جامعه عرب در سرآشویی و بدبختی قرار گرفته بود، چشم به جهان گشود تا عالم را به نور خودش منور کند.

و تو ای پروردگار مهربان او را به رسالت برگزیدی تا بندگانت را به سوی سعادت و رستگاری دعوت کند و خطاب به او گفتی، بگو نمی خواهم از شما در مقابل این کار (رسالت) مزدی، مگر دوستی به خویشان و می خواهم طی کنید راه مستقیم را که همه به نفع شماست.

پس سپری شد روزگار تا به پا داشت جانشین خود علی بن ابیطالب (ع) را که درود و رحمت خدا بر هر دو آنها و فرزندان شان باد.

پس وقتی که جمعیتی در مقابلش بودند، فرمودند:

هر کس من مولای اویم پس علی مولای اوست و فرمود خدایا دوست دار کسی را که دوستش دارد و دشمن دار هر که دشمنش دارد و یاری کن یاری دهنده او را و بار دیگر فرمودند: هر که را من پیامبر او هستم علی است امیر او، و سپرد دختر همچون گوهرش را به او، و در خانه او را به مسجد باز گذاشت.

سپس فرمود: من شهر علمم و علی دروازهٔ اوست، هر که اراده کند این شهر را باید از در، در آید و تو ای علی وصی و وارث منی و فردا، دم حوض کوثر جانشین من خواهی شد و تو کسی هستی که وفا می کنی وعده‌های مرا و می رسد روزیکه شیعیان تو بر منبرهائی از نور خواهند نشست و در بهشت اطراف من خواهند بود و اگر علی تو نبودی شناخته نمی شدند مؤمنان بعد از من، و تو ریسمانی بودی که آنها را به سوی سعادت سوق دادی.

پس تو ای علی قیام می کنی بر علیه گرگ صفتانی که در دل‌های آنان کینه‌هایی از جنگ بدر و غزوهٔ خیبر و حنین و غیر آنها خواهد بود و کشته می شوی بدست شقی‌ترین شقیها و پس از تو فرزندان یک‌ی پس از دیگری راه تو را طی می کنند و پیام پروردگار عالمیان را به بندگان خدا می رسانند، ولی هر یک از آنان به خیانت عده‌ایی از پا در می آیند و می رسد روزی که شیعیان تو گریه و ناله می کنند برای آن هادیانی که هدفی جز سعادت بشر نداشتند.

پس اشکها جاری می شود، شیون می کنند و زجه می زنند و فریاد بر می آورند، فریاد کنندگان که

کجاست حسن و کجاست حسین

کجايند فرزندان حسين

کجايند آن خوبان و صادقان، کجايند خورشيد‌های

درخشان، کجایند پرچمهای دین و پایه‌های علم

« کجاست بقیه الله »

آنکه چشمها براه اوست

کجاست امید مظلومان که از بین می‌برد ظلم و عداوت را،
کجاست آنکس که زنده می‌کند دین و قرآن را، کجاست درهم
شکننده شوکت تجاوزکاران و کجاست نابود کننده سرکشان و
کجاست عزت بخش دوستان و ذلیل کننده دشمنان، کجاست
صاحب روز پیروزی و پرچمدار دین احمدی.

کجاست خواستار خون پیامبران و فرزندان پیامبران.

کجاست خواستار خون شهید در کربلا

در همان کربلای پر بلا، همان سالار شهیدان که با لب تشنه و با
بدن زخم خورده و با قلبی آکنده از غم و اندوه با دشمنان جاهلی
که از هر فرصت استفاده می‌کردند تا بر او هجوم برند و او را از
پا در آورند، در حالیکه آن مولا در همان شرایط می‌خواست که
آنها را راهنمایی کرده و از جهنمی که آنها برای خود بنا
می‌کردند، نجاتشان دهد.

ولی دشمن ضربه را می‌زد یکی پس از دیگری و در
آنوقت که بجز آن غریب تنها مانده کسی در مقابل دشمن نبود و
حضرت خونهایی که بر بدن مبارکش جاری می‌شد، با دستهایش
به صورت می‌کشید و می‌فرمود:

خدایا می‌خواهم با چهرهٔ خونین به دیدار تو بیایم در حالیکه حقم غصب شده است که در همین حال چهار هزار فرشته نزد آن مولا آمدند و اجازهٔ پیکار خواستند ولی جواب حضرت این بود من همان عاشقی هستم که می‌خواهم به تنهائی به دیدار معشوق روم.

فرشتگان که جواب رد گرفته، عروج کردند تا از پروردگار اجازه بگیرند، رخصت یافتند و برگشتند در حالیکه حسین بن علی (ع) را کشته دیدند، فریاد وا محمدا سردادند و گفتند خدایا شاهد باش که دیر رسیدیم، دیگر مولای ما زنده نیست، حال چه کنیم؟

از خدای سبحان ندا رسید در کنار او بمانید و برای فرصت از دست داده گریه کنید تا ظهور فرزندش " مهدی " برسد و در آنزمان به همراه آن ناجی انتقام خون به ناحق ریخته شدهٔ سالار شهیدان و یاران با وفایش را بگیرید.

و ما نیز ای خدای بزرگ می‌خواهیم که در آنروز رستاخیز در کنار آن فرشتگان باوفا به همراه مولایمان مهدی باشیم تا با آنها در آن حرکت الهی شرکت جوئیم، در حالیکه این آرزو از گذشته تا به حال در دل ما غوغائی افکنده که چرا نبودیم در زمان مولایمان حسین بن علی (ع) تا یاریش دهیم.

و حال که امروز زنده‌ایم چه بهتر از این که آرزوی تک تک ما شیعیان همین باشد که در آن قیام شکوهمندی که دنیا

شاهدش خواهد بود یاری دهیم، آن اَبَر مردی را که تحوّل عظیمی با ظهورش تحقق می‌یابد و در سایهٔ ظهورش انسانهای در بند آزاد خواهند شد.

پس ای شیعیان علی بن ابیطالب (ع) بیائید آن یگانه منجی عالم بشریت، آخرین فرزند خانواده " مهدی عزیز " رایاری دهید که یاری کردن ایشان همچون یاری دادن به خودتان خواهد بود، زیرا تحوّل که در دنیا مشاهده می‌شود زمزمهٔ ظهور ایشان را به لب دارد.

در واقع همه چیز دست به دست هم داده‌اند تا بگویند آمدنش نزدیک است.

و نیز دگرگونی که در طبیعت موجود است از جمله زمین، آسمان، دریا، کوهها و درختان و بالأخره فریاد انسانهای مظلوم، همگی آمدن آن عزیز در پردهٔ غیبت مانده را نوید می‌دهند.

بطور مثال زمین که بی قرار است و با نا آرامی خود تحوّل بزرگی را گوشزد می‌کند و اگر زمین زبان می‌داشت شاید می‌گفت بر سر عالمیان چه خواهد آمد!

اگر چه ما توکل به خدای سبحان داریم و ایمان به اینکه طبق وعدهٔ پروردگار، مؤمنین انشاءالله از فتنه و بلا در امان خواهند بود.

و یا در مورد آسمان با بارانهای سیل آسا در فصل تابستان

از جمله برف و باران سیاه در یک قسمت از پاکستان و در قسمت دیگر این کشور گرمای شدید که باعث بیهوش شدن عده‌ای شده بود و یا باران خون که در هندوستان باریده شد و یا باران سنگ که در چین مشاهده شد و... چرا؟

بیائیم سؤال کنیم از خودمان، از طبیعت، برآستی چه خبر است؟

آنهايي که منتظر مهدی هستند می‌دانند چه خبر است. و یا در مورد دریا که خروش بر آورده و دگرگون است و قرار و آرام خود را از دست داده است بیائیم و از دریا پرسیم چه خبر؟

آیا تو از آن عزیزی که منتظرین در انتظارش هستند خبر داری؟

شاید تو هم مثل آنها دلتنگ شده‌ای که اینچنین خروش بر آوردی و حال بیا ای دریای پاک که در روی زمین نعمتی هستی بس بزرگ، بیا با ماهیانی که درون تو، به زندگی مشغولند هم نوا بشو و دعا کن شاید که خدا دعای تو را به اجابت برساند و آن هادی و آن مهدی عزیز بیاید و بیچارگان را نجات دهد.

و نیز در مورد کوهها که فریادشان، با آتشی که از دهانشان بیرون می‌ریزند، به گوش می‌رسد.

آیا برآستی این همه خبر از آتشفشانی شدن کوهها که به

ما می‌رسد این سؤال برای ما پیش نمی‌آید که چرا؟
در حالیکه از این فاجعه عده‌ای کشته و مفقود و بی
خانمان می‌شوند.

و در مورد درختان که به همراه گردباد و طوفان از جا در
می‌آیند شاید به من انسان می‌خواهد بگوید بیدار شو و به فکر
فردائی باش که به سرعت به سوی تو می‌آید خودت را برای آن
فردائی که وعده‌اش داده شده آماده کن، به عنوان یک موجود
زنده و با خاصیت و مسؤل، و گرنه زمین تو را همچون من از
خود خواهد راند.

از جمله قضیه‌ای که در روزنامه جمهوری اسلامی ۲۳
مرداد ص ۱۱ مطرح شد، آن درخت نخلی را که در الجزایر در
حوالی نیمه شب فریادهای عجیبی سر می‌دهد و به گزارش
خبرگزاری فرانسه از الجزایر این روزنامه افزود که مقامات محلی
و بخشهای دفاع غیر نظامی غمشی طی تماسهای تلفنی وجود این
پدیده را تأیید کرده‌اند.

و حال برآستی این درخت با فریاد خود چه می‌گوید در
حالیکه زبان آن را امام زمانان می‌داند.

باشد در سایه ایمان و اعمال خیر از هر فتنه‌ای بدور باشیم.
و بالأخره فریاد انسانهای مظلوم، همان انسانی که از آغاز
تا کنون هم کاروان درد و رنج و هم آغوش ستمدیدی و
تحمیل و گرسنگی و جهل و بی عدالتی و اختلاف طبقاتی بوده

است.

و این سؤال هست که آیا آینده مانند گذشته خواهد بود
 آیا روزگار درد و رنج و محرومیت و ناکامی و اندوه و
 گرسنگی، بردگی و بهره دهی به پایان نخواهد رسید؟
 آیا زمانی نخواهد آمد که سدها بشکند و راهها هموار
 گردد و نابسامانیها به سامان رسد؟
 آیا آنروز نخواهد رسید که همه در پیشگاه قانون برابر
 باشند؟

و ما مؤمنین انشاءالله می دانیم جواب این سؤالها را، بله آن
 فردایی که یگانه منجی عالم بشریت ظهور کند و در سایه ایشان
 خوشبختی و سعادت به ما بندگان خدا رو خواهد کرد و اگر چه
 بوی خوش آنروز به مشام می رسد.

پس بیائیم ای شیعیان علی (ع) گناه نکنیم با آن چشمی
 که می خواهد " مهدی " را ببیند.

بیائیم گناه نکنیم با آن گوشی که می خواهد صدای "
 مهدی " را بشنود.

و نکنیم گناه با زبانی که می خواهد به " مهدی " سلام
 کند.

و حال سلام بر تو ای مهدی عزیز

بیامهدی که با تو یک آسمانیم

تو دریایی و ما رود روانیم

اگر یک روز ابری هم ببارد
 تو خورشیدی و ما رنگین کمانیم
 بیائی با موج، با دریا بخوانیم
 بیائی همچو باد، در صحرا بخوانیم
 برای شادی قلب مادرت زهرا
 دعای وحدت و آزادی بخوانیم
 همان آزادی که هر صبح و شام در انتظارش هستیم تا در
 سایهٔ یگانه منجی عالم که تو هستی به آن اهداف الهی دست
 یابیم.

امید داریم به ظهورت.

آری، تو می آیی وقتی که جهان تشنهٔ آمدنت باشد، تشنهٔ
 دیدارت باشد.

و حال بیا ای شیعهٔ علی بن ابیطالب (ع) این تشنگی را
 با محبت، با عبادت و اطاعت و آمادگی و انتظار و خلوص نیت
 به نمایش بگذار تا خالق یکتا و عرشیان تا عالم هستی شاهد
 عشق و وفاداری تو باشند.

شاهد انتظار تو باشند اگر چه انتظار خیلی تلخ است و من
 به نوبهٔ خودم از امام زمانم پوزش می طلبم که بگویم انتظار تلخ
 است ولی چه کنم طعم آن تلخی را چشیده‌ام، زیرا خوب می دانم
 انتظار به معنای واقعی خیلی تلخ است بله مانند انتظار آن مادری
 که فرزند صالحش به سفر رفته و مادر منتظر نمی داند او چه وقت

از سفر بر می‌گردد؟ شب یا روز، امسال یا سال دیگر.
 و حال ای خدای بزرگ و ای پروردگار هستی بخش
 ترا قسمت می‌دهیم به یتیمان کربلا به آن بچه‌های نالانی که
 همگی در یک روز یتیم شدند، به آن بچه‌هایی که در دل شب با
 رقیه سه ساله هم ناله شدند و بهانهٔ بابا گرفتند، دیگر برای انتظار
 ما پایانی قرار ده و این تلخی انتظار را با ظهور مولایمان حضرت
 مهدی (ع) به خوشبختی و شیرینی مبدل بفرما.
 و برسان سلام و درود ما را بر آن منجی که ظهورش را به
 تمامی امتها وعده داده‌ای تا به ارشاد وی همگی همفکر و همکلام
 گردند.

پروردگارا برسان سلام ما را بر مهدی که دادرس
 محرومان و درهم کوبندهٔ کاخ ستمگران است.
 و ای خدای سبحان سلام بر مهدی و حجت تو که مشعل
 دار هدایت و پرچمدار ایمان و ولایت است.
 آری سلام بر تو ای مهدی روزیکه بدنیا آمدی، و روزیکه
 در پردهٔ غیبت فرو رفتی و روزیکه از کنار کعبه قیام می‌کنی و
 جهان را پر از عدالت و داد می‌گردانی پس از آنکه پر از جور و
 ستم شده است.

پس ای خالق از تو خواهانیم به وعده‌ات وفا و نعمت را
 بر ما تمام کنی و ما را به آن سر منزل مقصود و خوشبختی که
 نویدش داده شده برسانی به امید پیروزی اسلام و خوشبختی

شیعیان علی بن ابیطالب (ع).

(منتظر در انتظارش باش)

و تو ای منتظر در هر پگاه دست به نیایش بردار و از برای

مولایت امام زمان دعا کن

(پایان قسمت دوم طاووس بهشتیان)



بِسْمِ تَعَالَى

حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ ، نِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى وَ عَلَى الْمُرْتَضَى وَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ وَ
الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ عَلَى الْأئِمَّةِ الرَّاشِدِينَ مِنْ آلِ طه وَ يس
بارالها بدرستی که می‌خواهیم از تو بنامت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

که توفیق بندگی و ارادت بما بندگان عنایت فرمائی و ما
را یاری دهی تا در این سراشیبی و تاریکی که دنیا را فرا گرفته
آن راهی را طی کنیم که ما را به سر منزل مقصود می‌رساند.
و حال ای خالق هستی ما را یاری ده تا برای شناخت حق
و پیشبرد اهداف عالیہ (دین احمدی) و پیروزی اسلام، همان
قدمی را برداریم که خشنودی تو در آن است و می‌خواهیم
بشناسیم بیش از گذشته آن یگانه منجی عالم بشریت را، در
حالیکه شب به درازا کشیده و چشمها همه فرو خفتند، جز

چشمان شیدای شیفتگان که در سیاهی آسمان فروغ آن یگانه
منجی عالم را می‌جویند و تو ای پروردگار عالمیان می‌دانی دریا
طوفانی شده، زورقها همه در هم شکستند، جز زورق سرخ چشم
براهان که بر فراز امواج به آن ساحل آرام نجات می‌اندیشند.

آری تیره شب غیبت به درازا کشید، دریای سیاه زندگی
سراسر گرداب و طوفانی شده، پهن دشت انسانیت کویری تفتان
گشته، در حالیکه منتظران نستوه و پایدار همچنان او را می‌جویند
و این سؤال منتظران است.

چرا دوری به پایان نمی‌رسد؟

چرا بندها گسسته نمی‌شود؟

چرا انسانهای در بند جهان از زیر یوغ اسارت آزاد
نمی‌شوند؟

چرا در کالدهای خسته که از شیوع ظلم و فساد به ستوه آمده،
نشاط تازه دمیده نمی‌شود؟

و چرا آن روز که روز خداست، روز اجرای سنتها و
قوانین است بر پا نمی‌شود؟

در حالیکه آن منجی عالم علت را در بی وفایی و
ناشکیبائی و پراکنده دلی مدعیان حبّ و ایمان می‌داند و آنچه
که باعث در زندان نهان زیستن آن محبوب عالمیان شده است و
در همین مورد آن یوسف کنعان در لفافی از اندوه فرمودند:

اگر شیعیان ما (که خدا آنها را بر طاعت ما توفیق داد)

در راه وفا به پیمانی که بر دوش داشتند همدل می شدند، برکت دیدار ما از ایشان گرفته نمی شد.

پس ما را از ایشان دور نمی دارد، مگر رفتار ناشایست آنان که خبرش به ما می رسد.

آری، می دانیم خودمان باعث بودیم که فاصله طولانی میان ما و آن یگانه منجی و پرچمدار حق و عدالت به وجود آید و این را هم می دانیم به گفته پروردگارمان تا نخواهیم و عاجزانه تقاضای حکومت و زندگی همراه با سعادت را نداشته باشیم و تا خودمان آماده نباشیم به آن سرزمین موعود و به آن منجی مسعود دست نخواهیم یافت.

و حال ای شیعیان علی بن ابیطالب (ع) بیائیم هر کدام از ما صادقانه در مقابل خود یک قاضی عادل باشیم و همان حکمی را بدهیم که حق واقعی ما است، ببینیم اگر واقعا بعنوان یک شیعه راستین در مسیر حق و هدایت بسر می بریم، خوشحال باشیم و پا را فراتر گذاشته و خوشبختی و سعادت را به همراه امام زمانمان از خدای سبحان طلب کنیم تا در کنار آن منجی عزیز به آن اهداف الهی دست یابیم و اگر نه، باید ای منتظران مهدی سراچه دل را به اشک توبه بشوئیم و به مژه گان استغفار بروسیم و به دو پاسدار تقوی و اخلاص بسپاریم تا دریچه قلبمان را به سوی ولایت بگشائیم.

آری، باید توبه کرد، باید در مقابل نفس نامقدس قیام

کرد، تا قیام مقدّس آثار شوم گذشته را از بین ببرد و باید یک انقلاب درونی در سطح بالائی به وجود آوریم که در سایه آن رستگار شویم و به آن آزادی و خوشبختی وعده داده شده دست یابیم، زیرا در اسلام بن بست وجود ندارد و برای سیر الی الله و پیروز شدن در جهاد اکبر، در واقع برای سیر ملکوتی منزل اول تخلیه است و برای اینکه به اولین منزل عرفان برسیم باید توبه از گناهان کنیم که خداوند سریع الرضا است و زود آشتی می کند و گناهان را محو کرده و در عوض حسنه و ثواب در نامه اعمال نقش می بندد، در واقع کسی که توبه از گناه می کند، مانند کسی است که از مادر متولد شده است و پرونده سیاه او مختومه می شود و خدای مهربان به توبه کننده می گوید: توبهات را دوست دارم، ناله و شرمت را دوست دارم و برگشت تو را بسوی خود، جشن می گیرم.

آری، جشنی بزرگ در عرش برای برگشت بندهای از بندگانش، آن خدای لایزال برای توبه بندهاش عرش را چراغانی می کند، در حالیکه فرشتگان بی خبر از همه جا سؤال می کنند پروردگارا چه خبر شده است که عرش را اینچنین نور باران کرده اید؟

خدای سبحان خطاب به عرشیان می فرماید:

بندهای از بندگانم که از من دور شده بود، اکنون بسوی من برگشته و من از شادی آن گمشده که پیدایش کرده ام و

برای برگشت او بسوی خودم جشن گرفته‌ام و در همین مورد

امام جعفر صادق (ع) می‌فرماید:

فرح و شادی خدای مهربان از توبهٔ بنده‌اش زیاده بر خوشحالی کسی است که در شب تار، توشه و راحلهٔ خود را گم کرده باشد و آنگاه بیابد.

و در جای دیگر نقل شده است که روزی رسول خدا (ص) به اصحاب فرمودند: ای مردم کیست از شما که بخواهد توبه کند؟

گفتند همه ما می‌خواهیم توبه کنیم، پس فرمود غسل کنید و وضو بگیرید و چهار رکعت نماز بخوانید (دو بار، دو رکعت) پس از حمد، سورهٔ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ را سه مرتبه و مُعَوِّذَتین را یک مرتبه بخوانید و بعد هفتاد مرتبه استغفار کنید و آخرش بگوئید:

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

سپس فرمود: هر کس از امت من این عمل را انجام دهد از آسمان ندا کرده می‌شود که توبه‌ات پذیرفته گردید و گناهانت آمرزیده شد.

و ملکی از عرش می‌گوید برکت خدا بر تو و اهل و اولادانت باد. همچنین ملک دیگری می‌گوید پدر و مادرت از تو راضی شدند و بواسطهٔ عمل تو رحمت و مغفرت الهی شامل حال آنها و ذریه‌ات گردید و خودت در فراخی روزی در دنیا و آخرت خواهی بود.

و جبرئیل گوید: هنگام مرگ با عزرائیل می‌آیم و سفارش تو را خواهم کرد که با تو مدارا کند.

و مرویست در وقت جان دادن پرده غفلت برداشته می‌شود و بنی آدم به زشتی اعمال خود مطلع شده و گوید ای ملک الموت یک روز دیگر مهلت ده که عذر گناهان بخواهم و برای چنین سفر دور و پر خطر توشه‌ای از اعمال صالح بردارم. ملک الموت گوید: عمر تو گذشت، پس به عجز و ناله گوید، یک ساعت دیگر مهلت ده، جواب بشنود ساعات عمر تو تمام شد که روحش را بسوی دوزخ کشند.

بلی این است سرنوشت یک انسان که یک عمر سر سفره احسان پروردگار عالمیان می‌نشیند، نمک می‌خورد و نمکدان می‌شکند و نه تنها به خود ستم می‌کند بلکه راه خوشبختی و سعادت و آزادی انسانهای مظلومی را که در بند هستند، می‌بندد.

براستی چطور درهای خوشبختی بسته می‌شود؟

باید بگوئیم بوسیله تک تک آن افرادی که پیروی نمی‌کنند از دستورات خدا، اطاعت ندارند از سنتهای رسول خدا (ص) و پیروی نمی‌کنند از خصلتهای ولی خدا.

پس بیائیم ای شیعیان علی بن ابیطالب، ای دوستان خدا دست به دست همدیگر دهیم و برای اسلام نیمه جانمان قدم خیر برداریم.

بیائیم به یاد آن مردم مظلومی باشیم که برای پایداری دین اسلام جان فدا می کنند.

بیائیم بیاد آن مردم بیچاره‌ای باشیم که از دست حکام ظالم آواره‌اند.

بیائیم بیاد آن مادر فلسطینی باشیم که صبح، صاحب پسر است و شب، خبر مرگ فرزندش به او می‌رسد.

بیائیم بیاد آن مسلمانان عاشقی باشیم که در عزای مولایشان حضرت حسین (ع) مظلومانه خون پاکشان جاری می‌شود.

بیائیم بیاد آن مسلمانانی باشیم که در هیچ جای کشورشان برای آنها امنیت و آسایش نیست و سر آنها را در انظار از بدن جدا می‌کنند.

و حال ای شیعیان علی بن ابیطالب و ای مسلمانان جهان این را بدانیم تا ما با یکدیگر متحد نشویم و تا اعمالمان صالح نشود و تا روحمان پاک نگردد، نجاتی در راه نیست و به آن سعادت دست نخواهیم یافت و دیدار امام زمانمان مهدی شامل حال ما نخواهد شد.

پس بیائید با اصلاح خود به استقبال آن عزیزی که ما با گناهان در بندش نهادیم برویم و بیش از این انتظار را برای ایشان و فراق را برای خودمان روا نداریم، چه بسا اگر گناهان ادامه پیدا کند، در آینده، دنیا بیش از گذشته بر ما تنگ و تاریک شود

و آتش و گرفتاری بسوزاند، دامن هر یک از ما را.
پس بیائیم تا دیر نشده به خود آئیم و بسوی سعادت و
خوشبختی وعده داده شده برویم.

و بیائیم آن خوشبختی وعده داده شده را میان آوارگان و
بیچارگان تقسیم کنیم و تا آن عزیزانی که در بند هستند آزاد
شوند و بوی سعادت و آزادی به مشام جانشان برسد. زیرا
تلاطمی که در دنیا مشاهده می‌شود، زمزمه ظهور آن یگانه منجی
عالم بشریت را به گوش من و شما می‌رساند.

آیا شما هم آن زمزمه را می‌شنوید؟

و برای رسیدن به آنروز تلاش می‌کنید؟ اگر نه امروز،
روز تلاش، روز ایثار، روز قیام و بالأخره روز انتظار است، انتظار
در صبح و شام، امید داریم به عنایت خدای سبحان که انتظار به
پایان رسد.

به امید پیروزی اسلام و خوشبختی شیعیان علی بن ابیطالب (ع)

(منتظر در انتظارش باش)

(پایان قسمت سوم طاووس بهشتیان)



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ ، نِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى وَعَلَى الْمُرْتَضَى وَفَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ وَ
الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَعَلَى الْأَئِمَّةِ الرَّاشِدِينَ مِنْ آلِ طه وَيس
سلام و درود بی پایان ما منتظران نثار یگانه منجی عالم
بشریت حضرت ولیعصر ارواح العالمین له الفدا صلوات الله علیه
و نائب بر حقش امام خمینی قدس سره.

آری، سلام ما بر وصی اوصیاء و گزیده اولیاء و سلام ما
بر تو ای مهدی روزی که دنیا آمدی در حالیکه سرود عظمت
خدا را زیر لب زمزمه می کردی و سلام بر آن لحظه ای که
انگشت سبابه خود را بسوی آسمان بلند کرده و پس از عطسه
فرمودی سپاس و ستایش مخصوص خداوندیست که پروردگار
جهانیان است و گفتی درود بی پایان خدا بر محمد و آل او باد و
تلاوت کردی اولین آیه را:

و نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً
وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَ نُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ

می خواهیم منت گذاریم بر جماعتی که ایشان را ستمکاران
در زمین ضعیف گردانیده‌اند و بگردانیم ایشان را پیشوایان دین و
بگردانیم ایشان را وارثان زمین و تمکین و استیلاء بخشیم ایشان را
در زمین.

و اولین آیه را تلاوت کردی که خود نویدی بود بر
مظلومان و محرومان جهان که در تب ستمگریها و گرفتاریها و
جنگها و خونریزیها و فتنه‌ها می‌سوزند.

آری برآستی از هر سویی، امواج سهمگین فتنه و بلا،
غوغاها بپا کرده و تاریکیهای جاهلیت بر همه جا سایه شوم
گسترده و گرگ ظلم بر حلقوم مستضعفان جهان چنگال افکنده
است، گویا ستمگران عالم چنین پندارند که حجّت خدا از میان
رفته است در حالیکه نمی‌دانند اگر خداوند فرمان ظهور دهد همان
کسانی که امروز زیر دست و پای بی دینان در حال جان‌کندن
هستند، در زمان ظهور آن ناجی زندگی دوباره خواهند یافت و
آنها که از دوستان خدا هستند برای همیشه وارث زمین خواهند
شد و دشمنان خدا، آنهایی که لیاقت بندگی خدا را ندارند و
لیاقت دوستی با دوستان خدا را ندارند باید از زمین رخت برکنده
و به جایی روند که حق ایشان است.

و حال ای مولای ما " کاش " کاش " امت شما به علائم

و شواهد توجه بیشتری می کردند که هر کدام از آنها گویای حقیقتی اند و هر کدام از آن علائم و شواهد نوید آمدن شما را می دهند.

از جمله در کتاب نهج البلاغه حضرت علی (ع) فرمودند: قسم به آن خدایی که پیامبر را به حق برانگیخت بعد از این، گرفتار غم و غصه و وساوس شیطانی خواهید شد و غربال شده، از هم جدا می شوید و چون دیگ جوشان زیر و رو گردید تا آنکه ذلیل، عزیز، و عزیز، ذلیل گردد.

و کسانی که پیش از آن وقت در امر دین مقصّر بودند و عقب مانده اند، آنوقت سبقت گرفته، پیشی گیرند و به عکس کسانی که پیش از آنوقت در امر دین سبقت گرفته پیشی می گرفتند، در آن وقت کوتاه آمده عقب نشینی کنند و به خدا قسم کلمه‌ای پنهان نکرده‌ام و دروغ نگفته‌ام و به چنین مقام و روزی خبر داده شدم.

آری، طبق شناخت قبلی باید بگوئیم در همین رابطه که عده‌ای در امر دین مقصّر و عقب مانده بودند، سبقت گرفته و خودشان را نجات دادند که ما به واقعیت این گفته مولایمان حضرت علی (ع) رسیده‌ایم زیرا بودند عده‌ای در آن دوران گذشته که در غفلت بسر می بردند و با انقلاب ایران مسیر جدیدی برای آنها باز شد و آنها راه حق را شناختند ولی متأسفانه عده‌ای که در مسیر حق بودند گویا دوست نداشتند آب از آب

تکان بخورد و امروز از اسلام روی گردانیده و می گویند ما این اسلام را نمی خواهیم، باید از آنها پرسید برآستی کدام اسلام را می خواهید؟

اسلامی که برای عده‌ای باشد و عده‌ای هم بی‌خبر باشند، یا نه، آن اسلامی که ما مسلمانان وظیفه داریم دست به دست هم بدهیم و یاریش کنیم و با پیروی از احکام و دستورات آن شاهد شکوفائی‌اش باشیم و امیدواریم زمان شکوفائی نزدیک باشد و در رابطه با این حدیث باید بگوئیم که ما مردم به واقعیت آن رسیده‌ایم، در واقع بعد از انقلاب پر شکوه ایران که خاندان رسول خدا (ص) وعده‌اش را داده بودند که در مشرق زمین انقلابی به پا می‌شود که مردم آن دیار زمینه ساز انقلاب جهانی حضرت ولیعصر (ع) می‌باشند و هر روز بر همگان روشن می‌گردد، دلیل این مدعا، آیات و احادیث و روایاتی که از ائمه معصومین (ع) نقل گردیده است، از جمله بخش آخر از سوره محمد (ص)

وَإِنْ تَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ

اگر شما روی (از دین حق) برگردانید خدا قومی را غیر شما که مانند شما بخیل نیستند (بلکه بهتر و فداکارترند) به جای شما پدید آرد.

آری، به امید آن روز باشکوه که انقلاب ما ثمر خودش را

و همین افتخار بس است که انقلاب ایران زمین عده‌ای را از خواب غفلت بیدار کرد و حرکتی جدید بین مردم ایجاد شد. و ما امیدواریم که انقلاب جمهوری اسلامی ایران به انقلاب امام زمان (ع) پیوندد.

و در همین رابطه امام صادق (ع) فرمودند: (در کتاب نورالثقلین ص ۶۴ جلد ۵۰) راستی به خدا سوگند قومی که خداوند جامعه عرب را پس از روی گردانی از اسلام حقیقی به آنها تبدیل می‌کند و بهتر از عربها (نسبت به اسلام) هستند، ایرانیها می‌باشند.

و نیز در مجمع البیان از ابو هریره روایت شده که گروهی از یاران پیامبر خدا (ص) محضر رسول خدا عرضه داشتند منظور از قومی که در آیه آخر سوره محمد (ص) آمده که خداوند جامعه عرب از اسلام برگشته را به آنها تبدیل می‌سازد چه کسانی هستند؟

و طرح این پرسش زمانی بود که سلمان فارسی در کنار رسول اکرم (ص) قرار داشت.

رسول گرامی دست خود را به ران سلمان زد و فرمود آیه درباره این مرد و قوم او (ایرانیها) است.

به آن خدائی که اختیار دار هستی من است اگر گوهر ایمان به ستاره ثریا آویخته باشد که عرب به آن دست نیابد هر آینه مردانی از ایران به آن دست می‌یابند.

(کنز المعال ج ۱۲ حدیث ۳۴۱۲۹).

لَوْ كَانَ الْإِيمَانُ مُعَلَّقًا بِالْثَرَيَا لَأَتْنَاهُ الْعَرَبُ لَنَا لَهُ رِجَالٌ مِّنْ فَارِسٍ
 بلی باید هم رسول خدا از ایران و ایرانیان و جوانان ایران
 زمین به خوبی یاد کند در حالی که ما مردم شاهد آن دورانی
 بودیم که جوانان کشور ما و زنان و مردان عزیز وطن ما برای
 پایداری دین اسلام حرکت آغاز کردند و نهرا سیدند و خسته
 نشدند و اگر ایران زمین کشور امام زمان (ع) نام گرفته حق آن
 است.

پس حال بیائیم برای رضای خدا و برای پیروزی اسلام
 آن قدمی را برداریم که سعادت و رستگاری را به همراه دارد.
 آخر قرار است ما میزبان مولا و آقائی بزرگ همچون "
 مهدی عزیز" باشیم.

آیا برآستی به عنوان یک میزبان که خانه و کاشانه‌اش،
 قلب و روحش پاک و خالی از عیبها باشد آمادگی داریم؟
 اگر نه پس بهترین وقت حالا است که از هر نظر خودمان را
 به پاکی برسانیم و در آنروز، نباشیم همچون شاخهٔ هرزی که
 کنده شود و به زمین افتد بلکه باید آنروز برگ سبزی باشیم بر
 روی درخت زندگی، در آن بهاری که مهدی گل سر سبد اسلام
 به پهنهٔ گیتی قدم می‌گذارد، همچنان در کنارش باشیم.

و این را هم بدانیم وقتی دو خواسته در کنار هم قرار
 بگیرند (خواست خدا و خواست بندگان خدا) آن حرکت و

تحوّل انشاءً لله بوقوع می‌پیوندد.

ولی اگر مردم دنیا نخواهند متوجه شوند و خدای ناکرده، عده‌ای از آنها تا به آخر در غفلت بسر برند باز هم آن تحوّل به خواست خداوند انجام خواهد شد.

ولی باید باور کنیم آنوقت است که فتنه‌ها و بلاهای نزدیک به ظهور و زمان ظهور ما را خواهند خورد و بسیاری از بندگان خدا که حقشان است به سعادت برسند ولی بی‌توجهی آنها به واقعیت‌های موجود باعث می‌شود که به آن سعادت و خوشبختی وعده داده شده نرسند، در حالیکه می‌توانیم با بیداری و اعمال صالح طبق وعده‌ای که به ما مسلمانان جهان داده شده، به آن پیروزی دست یابیم و در کنار تلاش و مبارزه و ایثارمان همچنان یک ملت‌مس واقعی باشیم و خود را همچون کسی که در حال غرق شدن است بدانیم که ناجی خود را صدا می‌زند.

و ما نیز باید از آن عزیز مردمی که در این عصر و در این دوران بیش از دیگران مظلوم واقع شده‌اند و در حال حاضر در حال جنگ و ستیز و مبارزه به سر می‌برند مانند مردم پاک و مظلوم فلسطین و لبنان و پاکستان، جامو و کشمیر، بنگلادش، آفریقا و دیگر نقاط محروم عالم که با چنگ و دندان می‌جنگند و برای زنده نگهداشتن احکام الهی از تلاش نمی‌ایستند، باید از آن عزیزان تقاضا کنیم و بگوئیم ای کسانی که ظالمین با بی‌رحمی خودشان زندگی را برای شما همچون جهنم کرده‌اند "ای

کسانیکه مظلوم واقع شده‌اید، ای محرومان جهان " بیائید در کنار جهاد خونبارتان از صمیم دل تقاضای " مهدی " داشته باشید و دیگر وقت آن رسیده که با اعمال صالح و فریاد و خروش، ناجی را طلب کنید و باید " بیا مهدی بیا مهدی " شما تا به عرش حق تعالی برسد.

براستی چرا صدا نمی‌زنید در حالیکه آقا و مولای ما امام زمان انتظار می‌کشد تا ما ایشان را به یاری خود طلب کنیم و از او یاری بخواهیم که یاری دادن ایشان آزادی انسانهای دربند را به همراه دارد.

آری، مهدی را صدا بزنید، زیرا می‌دانیم برای این شام تیره فجری است و می‌دانیم جهان را مصلحی است که بیاید و محرومان و مستضعفان جهان را از چنگ و دندان ظلم برهاند و سایه پر عطوفت همای عدالت را بگستراند و درخت تیره روزیها را ریشه کن کند و همه مستضعفان را با مهر و مودت بنوازد.

آری دیگر وقت آن شده است که او را صدا بزنیم

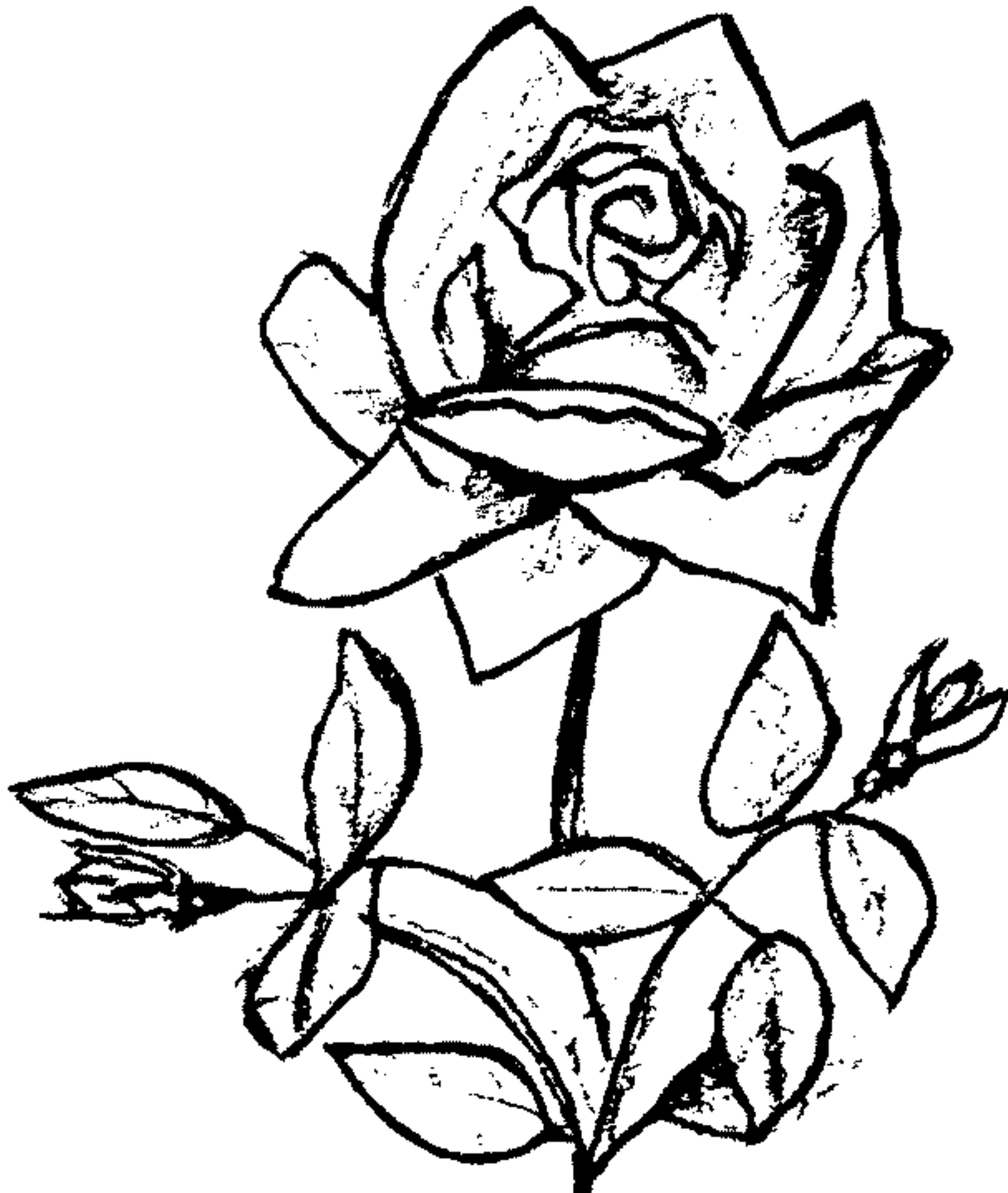


مهدی جان

منتظران را به لب آمد نفس
ای به تو فریاد، به فریاد رس
ماه مه نوریم، سلیمان تو باش
ما همه جسمیم، بیا جان تو باش

(منتظر در انتظارش باش)

(پایان قسمت چهارم طاووس بهشتیان)



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ نِعْمَ التَّوَلَّى وَنِعْمَ النَّصِيرُ
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى وَ عَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ وَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَلَى
الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ عَلَى الْأَئِمَّةِ الرَّاشِدِينَ مِنْ آلِ طه وَ يس
درود ما بندگان به روان پاک بزرگترین فرستاده خدا، که
او را به لقب رحمة للعالمین ملقب ساخته و اوصیاء گرامیش امیر
المؤمنین علی بن ابیطالب و یازده فرزندان معصومین او علیهم
السلام که هادیان و شافعان امت اویند.

و بالأخره سلام ما بر مهدی عزیز همان یگانه منجی عالم
بشریت که بعد از شهادت پدر بزرگوارشان به خواست پروردگار
عالمیان در پس پرده غیبت فرو رفته و عالمی را در فراق خود
غمگین ساختند، در حالیکه حضرت امام حسن عسکری (ع) پدر
گرامی حضرت مهدی (ع) مؤدّه تولد فرزندشان را برای آن
عده‌ای که برای اولین بار دعوت شده بودند تا حجت بعد از امام

حاضر را بشناسند، همان حجّتی که بیش از سه سال از عمر شریفشان نمی گذشت.

امام عسگری در این جلسه پر شکوه فرمودند:

ای مؤمنین و ای شیعیان، من از شما دعوت کردم تا بیائید و حجّت بعد از خودم را به شماها معرفی کنم در حالیکه می دانم بزودی از میان شما خواهم رفت و فرزندم مهدی جانشین من خواهد شد و چون خطر، او را تهدید خواهد کرد پس مجبور می شود بالاجبار برای مدّتی از شما امت دور شود و در زمانیکه خداوند و عده ظهورش را داده است به نزد شما بر خواهد گشت. آری همان زمانی که دنیا پر از ظلم و جور و ستم شده باشد، می آید و عدل و داد را برقرار می کند.

حاضرین که خبر دوری حجّت خدا را شنیده بودند بسیار ناراحت شدند و سؤال کردند از امام حسن عسکری (ع) که یابن رسول الله ما، در چه زمانی باید انتظار ناجی خودمان را بکشیم؟ حضرت فرمودند: هر وقت دیدید مردمی آواره را که خانه و کاشانه خود را از دست داده بودند و از جایی به جای دیگر هجرت کرده و به دنبال یک سرپناه می گشتند، آن وقت صبح و شام انتظار فرزندم مهدی را بکشید.

آری انتظار فرزندم مهدی را بکشید آن زمانیکه عده ای بیشمار آواره این شهر و آن شهر شوند و ما مردم طبق شواهد دیدیم و شنیدیم احوال آن مردمی که بر اثر سیل، زلزله، طوفان،

قحطی و جنگ و آتشفشانی شدن کوهها مجبور به هجرت شدند به عنوان مثال مردم بنگلادش، بر اثر یک وعده سیل که در دیارشان جاری شد یازده میلیون نفر بی خانمان شدند و از این نمونه‌ها در خبرها زیاد مطرح شده بود و می‌شود و یا از بالا آمدن آب، صد و پنجاه هزار خانه زیر آب می‌رود و یا گل و لای جدا شده از کوه آتشفشان در فیلیپین شش متر ارتفاع داشته است.

آری مجبورند مردمی که با این حوادث مواجه می‌شوند هجرت کنند، در حالی که کوله بار آنها فقر، گرسنگی، بیچارگی و آوارگی و غم فراوان بوده است.

و حال که در این برهه از زمان زندگی برای مردم دنیا مشکلات و نگرانیها و.... آفریده و بسیاری از این گرفتاریها لاینحل مانده و همچنان به غم و غصه عالمیان افزوده می‌شود و وضع نابسامان دنیا می‌گوید که بشریت، در خطر است.

و نیز گفته شده آنوقتی که کار دنیا بکشد به آنجا که بشریت در خطر باشد خداوند آنها را به وسیله یک بشر نجات خواهد داد و ما می‌دانیم آن ناجی بجز حضرت مهدی کس دیگری نخواهد بود و تنها با وجود مقدس ایشان است که مردم دنیا از این همه سختیها نجات پیدا خواهند کرد و این را نیز می‌دانیم قبل از ظهور حضرت حجت (ع) مردم دنیا مخصوصاً ما مسلمانان جهان امتحان سختی را باید پشت سر بگذاریم و می‌دانیم در سایه همین امتحان است که به آن سرمنزل مقصود می‌رسیم و

یا نه، از آن دور می‌شویم.

پس باید در مورد این آزمایش بسیار حساس باشیم و بترسیم که زمان موعود برسد ولی ما نمره قبولی نداشته باشیم، در حالی که صالحان و خوبان عالم آرزوی رسیدن به آن روز را داشتند.

از جمله روزی که عده‌ای از یاران امام صادق (ع) وارد شده می‌بینند آن حضرت روی خاک نشسته و مانند زن بچه مرده با دلی سوخته اشک می‌ریزد، رنگ مبارکش بر افروخته و اشک دو طرف صورتش را پر کرده و بر روی دامنش ریخته و می‌گوید:

آسایش را از من گرفته و زمین را بر من تنگ کرده و استراحت قلبی را از من سلب نموده است، چیزی ندارم جز اشکی که از چشمم جاری شود و ناله‌ای که از تمام زوایای دلم می‌کشم.

"سدير" یکی از یاران حضرت می‌گوید، از آن همه ناله و گریه که امام صادق (ع) در آن حالت داشت، نزدیک بود عقل از سرمان بپرد احتمال دادیم که برای آن حضرت ناراحتی بزرگی پیش آمده و یا از اوضاع زمان آنچنان ناراحت شده، که این چنین اشک می‌ریزد

گفتیم ای فرزند بهترین خلق خدا، خدا چشم ترا نگریاند از چه حادثه‌ای این چنین گریانی؟ و چرا اینگونه مانند باران

اشک می‌ریزی؟

ناگهان امام صادق (ع) آهی کشید که وجودش به حرکت آمد و ناراحتیش فزونی یافت و فرموده، در قسمت تاریخ تولد قائمان تأمل می‌نمودم و کندی گذشتن زمان غیبت و طول عمر او را ملاحظه می‌کردم و بلاهائی که بر مؤمنین در آن زمان وارد می‌شود و تردیدی که از طول غیبت آن حضرت در دل آنها وارد می‌گردد که اکثر آنها از دین بر می‌گردند و شانه از زیر بار اسلام و ولایت ما خالی می‌کنند، می‌دیدم، دلم می‌سوخت و حزن بر من مستولی شد.

یاران سؤال کردند یابن رسول الله آیا براستی "قائم" متولد شده؟

فرمودند: نه ولی اگر من زمان او را درک می‌کردم تمام عمر خدمتگزارش بودم

آری ای مهدی عزیز شما همان عزیز هستی که تمام انبیاء و اولیاء انتظار ملاقات را داشته و همه آنها خود را مقدمه ظهور شما می‌دانسته‌اند در حالیکه انبیاء و ملائکه به محبت شما ای فرزند بهترین خلق خدا، به خدا نزدیک می‌شدند و از نور پاکت برای کمالاتشان کمک می‌گرفتند.

و ای محبوبی که برای نجات بشریت صدها سال، در زندان دنیا مانده‌ای و با مردمان مستضعف دنیا همدردی می‌کنی، تو خود از خدا فرجت را بخواه، و در مسجد سهله سر به سجده

گذار و آیه " اَمَّنْ يُجِيبُ " را بخوان که دعای تو مستجاب است.
و می‌دانیم ای ولی خدا که خداوند به وجودت افتخار می‌کند و
بر ملائکه مباحثات می‌نماید.

پس ما را ای منجی عالم از مهالک زمان غیبت و
گرفتاریها و امتحانات سخت آخرالزمان حفظ کن و هیچگاه، حتی
لحظه‌ای دست ما را رها نفرما و ما را یاری ده تا در مقابل فتنه‌ها
و مشکلات و غم و اندوهی که ما را احاطه کرده صابر باشیم و
بعنوان یک بنده خدا که خداوند از او راضی است در روی زمین
انتظار تو را که بسیار سخت است، بکشیم.

و ما نیز امید داریم روزهای انتظار به پایان رسد زیرا
می‌دانیم وقتی خداوند اذن ظهورتان دهد، کلام پروردگار عالمیان
از دو لب مبارک شما برای ما گفته خواهد شد و می‌دانیم وقتی
بیائی دو دست پر قدرت خدای لایزال از آستین شما بیرون آمده،
در حالیکه با یک دست نوازش خواهید کرد آن مردم مظلومی را
که در این دنیای بزرگ در غربت و بیچارگی به سر می‌برند و
چیزی بجز اشک و انتظار ندارند.

و می‌دانیم ای مهدی عزیز، با دست دیگری بر سر آن
ظالمان خبیث خواهی کوبید که خلق خدا و بندگان در بند خدا
را ضایع کردند.

و ما نیز این را می‌دانیم شما شاد می‌شوید از آن روزی که
در کنار امت خود باشید و این را بدانید که امت منتظران در

کنار شما شاد خواهند بود و برآستی دنیا بدون شما یک زندان است و امید داریم با دعای خیر امت مسلمان، هر چه زودتر درهای زندان باز شود و ما که در تاریکی زندان قلبمان از دوری شما ای مولا، ذوب شده و فقط به آن تنها روزنه امید که خودتان هستید دلخوشیم که زمان موعود برسد و انسانهای در بند، آزادی خودشان را در سایه ظهور شما بیابند.

و نیز می‌دانیم از چه غمگین می‌شوید، می‌دانیم غم شما آنوقتی است که مردم دنیا گناه کنند، مخصوصاً اگر مسلمانان جهان معصیت کنند و بندگی خدا را فراموش کرده و بنده دنیا بشوند و آخرت را رها کنند. آری شما غمگین می‌شوید، زمانی که مردمی دانسته یا ندانسته راه را بر شما می‌بندند و از طرفی راه سعادت و خوشبختی را بر روی انسانهای در بندی که مورد ظلم و ستم واقع شده‌اند بسته، و آنها را در دنیای تاریکشان سرگردان رها می‌کنند و نیز نسبت به منجی خود غافلند.

و برآستی ای مهدی عزیز چطور ناراحت نباشیم، در حالی که عده‌ای از ما مردم همدیگر را می‌بینیم ولی از دیدار امام زمان و شنیدن صدای مبارکش محروم هستیم.

پس بیائید ای شیعیان علی بن ابیطالب، به خاطر رضای خدا و نجات بشریت راه یگانه منجی عالم بشریت را با دعا و عبادت، اطاعت و فرستادن صلوات باز کنید، زیرا چند عامل باعث می‌شود ما مردم دیرتر به آن ناجی دست یابیم، یکی از آنها

گناه است و دیگری بی‌توجهی و ندانم کاری، زیرا اگر ما مردم بخواهیم و ملت‌مانه تقاضای ایشان را از خدا بنمائیم و از گناهان گذشته توبه کنیم، انشاءالله دیدار ایشان برای ما نزدیک خواهد بود به امید آنروز، زیبا و باشکوه.

آری ای مؤمنین بیائید بیشتر از این دوری و فراق را روا مدارید و برای رسیدن به سرمنزل مقصود تحوّل با معرفت به امام زمان در درون خود ایجاد کنیم و نیز بیائیم با اتحاد و تلاش و همفکری، دنیای همچون جهنّم خودمان را، با وجود طاووس بهشت " مهدی " به گلستان تبدیل کنیم و در آن گلستان به آن روز موعودی که حضرت محمد مصطفی (ص) در وصیت نامه خودشان به شیعیان علی بن ابیطالب (ع) وعده‌اش را دادند، بیاندیشیم در حالیکه خطاب به امت فرمودند:

حال که از میان شما می‌روم دو گوهر گرانبها که کتاب و عترت است در میان شما می‌گذارم تا از آن پیروی کرده و گمراه نشوید و این دو گوهر از هم جدا نشوند تا در نزد حوض کوثر بر من وارد شوند، همان حوضی که جامهائی از نقره و بلور به تعداد ستارگان آسمان به دورش گذاشته شده تا شما پیروان حضرت علی (ع) بیائید در حالیکه لبخند شادی من و علی را خواهید دید. و ما نیز به فرشتگان دستور خواهیم داد تا آن جامها را پر کرده و به شما امت وفادار بدهند تا بنوشید و زندگی جاوید همراه با سعادت را بیابید و این را نیز بدانید آن دو گوهر، دو ریسمان

هدایت هستند که تا قیامت بریده نخواهند شد.

باشد با پیروی از کتاب خدا و اهل بیت رسول خدا (ص) که حجت‌های بر حق پروردگار هستند از رستگاران باشیم. و نیز در این دوران باور کنیم که دشمنان اسلام با خباثت و کینه و دشمنی دیرینه آرزوی به گور سپردن دین مبین اسلام را دارند و باید بار دیگر به یاد آن مراد و آن پیر جماران رهبر کبیر ایران زمین، آن رهبر دلسوز بگوئیم ای مردم، اسلام در خطر است بیدار باشید و شما را به خدا سوگند مثل گذشته مساجد را در غربت رها نکنید و اگر ما مردم هوشیار نباشیم و از دین احمدی که آخرین دین است حمایت نکنیم، پس چه کسی باید به جای ما از آن به خوبی نگهداری کند، و ما می‌دانیم به جز خودمان کسی وجود ندارد.

پس بیائیم با اتحاد و همبستگی و اعمال صالح، کفر و ظلم و ستیز بی‌امان دشمنان اسلام را خنثی کرده و زمین را با یاری آقا امام زمان (ع) از وجود کسانی که حاضر به تسلیم از حق نیستند، پاک کنیم تا اسلام و قرآن، زندگی واقعی خود را بیابد و ما نیز در سایه "اسلام احمدی" بوی خوشبختی به مشام جانمان برسد.

و نیز شاهد نجات و پیروزی مردمی باشیم که لبخند شادی بر لبان خسته آنها نقش بسته است و بالأخره قلب پاک آنها آرامش یافته، باشد در آن خوشبختی و سعادت سهیم باشیم.

و باید انتظار فرج و ظهور را هر صبح و شام داشته باشیم که اگر از عمر دنیا جز یک روز نماند خداوند آن روز موعود و آن زندگی برتر را پدید خواهد آورد.

و ما باید بدانیم تنها علاج دردها در تشکیل حکومت جهانی است، زیرا سیستمهای بشری با ادیان الهی در این انتظار شریکند و هنوز انسان به این آرزو می‌اندیشد در حالیکه عده‌ای فقط به فکر خود هستند تا ادامه زندگی دهند.

و ما می‌دانیم زندگی را افقی است و خورشیدی درخشیدن خواهد گرفت و به خواست خدا انشاءالله که تاریخ ورق خواهد خورد و شاید سپیده این صبح روشن، فردا از افق این سو، از افق شرق برخیزد که خورشید نیز از آنجا می‌دمد.

(به امید آینده و بر آمدن آخرین افق)

منتظر در انتظارش باش و برای آمدنش زیاد دعا کن و پی در پی صلوات بفرست، و از خدای سبحان تقاضای آن یگانه منجی عالم بشریت را داشته باش، زیرا تنها با وجود مقدس ایشان است که زندگی و اهداف ما به سر منزل مقصود خواهد رسید «
به امید آنروز

ای امام زمان

نظری کن که دل غمزدگان شاد شود
 گذری کن که جهانی زغم آزاد شود
 رفتی و قلب محبتان زجفا ویران شد
 تو بیا تا، ز قدومت، همه آباد شود

(پایان قسمت پنجم طاووس بهشتیان)



ای همسفر

ای هم دین و هم وطن

و ای شیعه علی

و ای دوستدار دین احمدی

و ای مظلوم و محروم در غربت مانده

و ای خسته دل از درد و رنج و گرفتاری

و ای منتظر امام زمان

بخوان با من

ولی با نغمه شادی

دمد خورشید آزادی

بخوان ای همسفر با من

به طوفانها و ساحلها

که بریندید محملها

بخوان ای همسفر با من

ز بار کینه شد سنگین

بخوان ای همسفر با من

که فردا آفتاب آید

بخوان ای همسفر با من

بخوان، تا شب فروریزد

برای گرگ اهریمن

شب هجرت رسید آخر

جرس فریاد می دارد

به عزمی همچنان آهن

بخوان کین سینه شد خونین

مترس از دشنه و دشمن

بخوان با راهیان ره

طلوعی می کند خورشید صبح آزادی

بسوزد تا تمام ظالمان را با شتاب آید

بخوان کین راه طولانی به پایان می رسد آخر
زمستان می رود آری بهاری می رسد آخر
جهان گردد چنان گلشن بخوان ای همسفر با من
بخوان ای همسفر با من تا صبح آزادی، تا طلوع خورشید
خوشبختی

بخوان ای شیعه علی بن ابیطالب و از خواندن خسته نشو

تا بینی آن یار مظلومان

آن گل گمشده زهرا

آری حق همه ماست که بیایم سعادت وعده داده شده

را

حق هر انسان درد و رنج کشیده عالم است

و حال بخوان دعای وحدت و پیروزی را،

باشد وعده ما و شما صبح جمعه در سرزمین بخاک و خون

خفته قدس

مگر طلوع فجر نزدیک نیست ؟

وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

پروردگارا ما را از شیعیان واقعی و منتظران حقیقی حضرت
قرار ده

پروردگارا با ظهور امام زمان این غم و اندوه جانکاه را از امت
مسلمان بر طرف بفرما

خدایا تو را به عظمت و عزتت قسم می‌دهیم این کشور را
مورد لطف و عنایت ولیّ عصرت قرار ده

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی از نهضت خمینی محافظت بفرما
خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خامنه‌ای رهبر به لطف خود

نگهدار

اللَّهُمَّ أَظْهِرْ بِه دِينَكَ وَ سُنَّةَ نَبِيِّكَ حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنْ
الْحَقِّ مَخَافَهُ أَحَدٌ مِنَ الْخَلْقِ

خدا ایا به سبب ظهور مهدی منتظر (ع) دین خودت و سنت
پیغمبرت را آشکار کن آن چنانکه از بیم احدی از خلق چیزی
از حق پنهان نگردد و حق گوئی و حق پرستی در همه جا و
برای همه کس آزاد باشد.